حضرت امام صادق(ع):

هنگامی که به نماز ایستادی بدان که در پیشگاه خداوند هستی و اگر او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. پس به نمازت توجه کن

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

به بهانه انتشار آخرین قسمت از مینی سریال «زیر پل»

قصه قتل دسته‌جمعی

گروه فرهنگ و هنر: مینی‌سریال جنایی ۸ قسمتی «زیر پل» که اخیرا آخرین قسمت آن منتشر شد، روایتی از یکی از وحشتناک‌ترین قتل‌های تاریخ کاناداست.

ماجرا سال ۱۹۹۷ در بریتیش کلمبیا رخ می‌دهد؛ جایی که ناگهان سکوت شهر جزیره‌ای ویکتوریا با خبر ناگهانی ناپدید شدن رینا، دختر ۱۴ ساله شکسته می‌شود. این دختر در یک شب خاص به یک میهمانی رفته بود ولی دیگر هیچ‌وقت به خانه بازنگشت. افسر پلیسی به نام «کم بنتلند» مامور یافتن زنده یا مرده رینا می‌شود و در نهایت متوجه می‌شود موضوع ناپدید شدن این دختر چیزی فراتر از یک حادثه ساده است.

درباره این جنایت هولناک تاکنون ۲ کتاب نوشته شده است؛ یکی به قلم «ربکا گادفری» در سال ۲۰۰۵ و دیگری به قلم «منجیت ویرک» پدر رینا (دختر کشته شده) که سال ۲۰۰۸ منتشر شده است. سریال با اقتباسی از کتاب اول و با محوریت ربکا گادفری ساخته شده است.

رینا یک نوجوان طردشده معمولی بود که بشدت سعی می‌کرد خود را با جوانان به حاشیه رانده‌شده محلی در این شهر هماهنگ کند. با این حال، رابطه دختر با رئیس باند دختران بدون سرپرست شهر، یعنی ژوزفین بل (کلویی گیدری) وقتی به نتیجه نمی‌رسد، منجر به یک درگیری کثیف و دردناک نژادی و اجتماعی می‌شود. علاوه بر این، در شب قبل از ناپدید شدن رینا، این ژوزفین بود که تصمیم گرفت با رینا دعوا کند و در این کار همراه او ۵ نفر دیگر نیز شرکت کردند.

در ادامه تحقیقات پلیس، بازجویی از دانش‌آموزان دبیرستانی به یک فاجعه برای شخصیت کم (افسر پلیس) تبدیل می‌شود. البته خوشبختانه، ربکا گادفری (روزنامه‌نگار) به کمک پلیس می‌آید. در نتیجه او موفق می‌شود به ژوزفین نزدیک شده و اطلاعات مهمی برای پرونده استخراج کند. از این لحظه به بعد داستان سریال به یک معمای چندلایه برای یافتن قاتل یا قاتلان رینا بدل می‌شود.

ماجرای قتل رینا سال ۱۹۹۷ برای مدتی طولانی تبدیل به خبر اول رسانه‌های کانادایی شده بود و توجه بسیاری از مردم را به خود جلب کرده بود؛ اما چرا؟ به این دلیل که این حادثه در یکی از آرام‌ترین و زیباترین مناطق این کشور اتفاق افتاده بود اما مهم‌تر از آن علت توجه رسانه‌ها و مردم به قاتلان و دلیل اقدامات آنها بود؛ گروهی از نوجوانان به حاشیه رانده شده.

قتل وحشتناک رینا یک پدیده کلی را در جامعه کانادا شکل داد که بعدها به «وحشت اخلاقی» معروف شد. در آن زمان، وضعیت اضطراب اجتماعی حاد در میان شهروندان کانادایی به طور مستقیم بر حکم دادگاه برای مجرمان که بسیاری از آنها حتی به ۱۶ سالگی نرسیده بودند (یعنی حبس ابد در پشت میله‌ها به جای اعدام)، تأثیر گذاشت.

در آغاز دهه ۲۰۰۰، ربکا گادفری رمان «زیر پل» را منتشر و سعی کرد تصویر حقیقی وقایع را بازسازی کند. این کتاب حاوی شهادت والدین رینا، همکلاسی‌های او، افسران پلیس پرونده و البته خود قاتلان است. در ادامه، سال ۲۰۰۷ کمپانی تولید ریس ویترسپون حقوق فیلم Under the Bridge را به دست آورد، اما این فیلم هرگز تولید نشد.

سال ۲۰۲۲ کوین شپرد، فیلمنامه‌نویس آمریکایی، به پرونده رینا علاقه‌مند شد. او به مدت ۲ سال، به همراه ربکا گادفری، این کتاب را به فیلمنامه‌ای برای مجموعه کنونی بدل کرد اما افسوس که نویسنده کتاب برای دیدن نخستین نمایش سریال زنده نماند؛ گادفری یک هفته قبل از اعلام تولید بر اثر سرطان ریه درگذشت.

اگر بخواهیم این سریال را از نگاه ساختاری مورد نقد قرار دهیم، باید بگوییم از نظر لحن و حال و هوا، «زیر پل» از بسیاری جهات شبیه پروژه قبلی کوین شپرد، یعنی درام مورد ستایش جشنواره ساندنس «آموزش اشتباه کامرون پست» با بازی کلویه گریس مورتز و ساشا لین است.

سازندگان این سریال آگاهانه از روایت اصولی جنایت واقعی دور می‌شوند و نه بر جزئیات تحقیقات، بلکه بر شخصیت خود رینا و محیطی که قاتلان آینده او در آن زندگی می‌کردند، تمرکز می‌کنند.

در همان زمان، نویسنده رمان اصلی، یعنی شخصیت ربکا گادفری، یکی از شرکت‌کنندگان مستقیم وقایع روی پرده می‌شود که به خودی خود یک اثر داستانی تخیلی است، زیرا او هرگز شخصاً رینا را نمی‌شناخت و سال‌ها پس از آن به این پرونده پرداخت. با این حال، این فرض مانع این نمی‌شود که شپرد در یک بازنگری اختصاصی از رویدادها شرکت کند و همه چیزهایی را که مردم برای دفن آن بسیار تلاش کردند، دوباره از نو بیرون بکشد.

برای مثال اواسط دهه ۹۰ میلادی، زمان نسبتاً دشواری برای تساهل نژادی و سهل‌گیری بین فرهنگی در غرب بود، بنابراین در زمان حل پرونده حتی ملیت رینا به عنوان انگیزه اصلی قتل در نظر گرفته نشد، آن هم به رغم تعدادی سرنخ آشکار پیرامون این داستان، در حالی که ما در این سریال به روشنی شاهد ورود این حقیقت پنهان‌شده به اصل داستان هستیم.

علاوه بر این، بسیاری از رسانه‌ها در آن زمان عمداً اصالت هندی این دختر را پنهان کردند و او را به عنوان یک «زن انگلیسی سفیدپوست» معرفی کردند. در این راستا، سریال شپرد نوعی عدالت اجتماعی را تحقق می‌بخشد و از زبان شخصیت‌ها - در درجه اول خود رینا - نکاتی کلیدی را بیان می‌کند که نشان‌دهنده هویت اجتماعی و نژادی او می‌شود. اگر دقت کنید، خانواده ویرک که دختر شان به قتل رسیده، همانطور که می‌گویند یک اقلیت در یک اقلیت بودند.

این یعنی در حالی که آنها مهاجران هندی باقی مانده بودند اما به ارزش‌های اخلاقی فرقه شاهدان یَهُوَه پایبند بودند. این یعنی آنها از جشن کریسمس و تولد خودداری می‌کردند و هر گونه تلاش دخترشان برای تبدیل شدن به یک نوجوان عادی را بشدت محکوم می‌کردند.

بنابراین، در جامعه‌ای متشکل از جوانان تهاجمی که خرده‌فرهنگ باندهای خیابانی لس‌آنجلس را ترویج می‌کنند، رینا به عنوان دختر این خانواده، به طرز عجیبی، راهی را پیدا می‌کند که مدت‌ها انتظارش را می‌کشید، این یعنی فرصتی برای خودش و زندگی خارج از محدودیت‌های بی‌پایان. با این حال، شپرد و سازندگان این سریال فقط به بازسازی زندگی رینا ویرک محدود نمی‌شوند و شجاعانه وظیفه بازسازی یک دوره کامل را بر عهده می‌گیرند. قسمت‌های اول «زیر پل» مملو از ارجاعات تاریخی و ارجاعات منظم فرهنگی پاپ است.

حتی موسیقی متن سریال هم در اجرا یک ثانیه هم به زمان خود خیانت نمی‌کند. گفت‌وگوهای نوجوانان درباره خشونت، نفرت از والدین و رنجش از شرایط زندگی و توجه به خوانندگان رپ از نکاتی است که در دل شخصیت‌های این داستان با واقعیت آمیخته می‌شود. با این تفاسیر تنها چیزی که شما را از تسلیم شدن کامل در برابر موج نوستالژی استفاده شده در این سریال بازمی‌دارد، آگاهی از فینال پیش رو است که هر از گاهی بیننده را به واقعیتی غم‌انگیز بازمی‌گرداند.

با این حال، هنوز هم نمی‌توان «زیر پل» را یک داستان جنایی واقعی به سبک «کارآگاه حقیقی» نامید.

در پایان باید گفت با همه این تفاسیر این اثر کوین شپرد، با تمرکز بر رمان ربکا گادفری نه به یک اقتباس سینمایی از وقایع وحشتناک، بلکه به داستان یک زندگی بشدت ناراحت‌کننده تبدیل می‌شود که براحتی می‌شد از سرنوشت سخت آن جلوگیری کرد. حال اگر شما به عنوان یک مخاطب، عاشق داستان‌های جنایی حقیقی هستید، پس بدون شک نباید دیدن این سریال را از دست بدهید.

خاخام ضد صهیونیست در دبیرخانه بین‌المللی فیلم کوثر:

صهیونیست‌ها از زن در سینما برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند

گروه فرهنگ و هنر: رابا وایز خاخام ضد صهیونیست معتقد است صهیونیست‌ها در سینمای جهان از زن برای بیان مسائل غیراخلاقی استفاده می‌کنند و زنان زیادی هم در جنبش‌های زیادی به این استفاده ابزاری معترض شده‌اند. وی می‌گوید باید استانداردهای دیگری درباره زنان در سینمای جهان وضع شود تا کرامت آنها حفظ شود.

وایز با گرامیداشت یاد و خاطره رئیس‌جمهور شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی با بیان اینکه آخرین بار ماه سپتامبر با شهید رئیسی در آمریکا دیدار و در رابطه با اقدامات جنایتکارانه رژیم کودک‌کش صهیونیستی با ایشان بحث و گفت‌وگو داشت، افزود: ما مخالف تاسیس یک دولت یهودی در هر بخش از سرزمین فلسطین هستیم و نقل قول‌های مشابهی از خاخام‌های یهودی در سراسر تاریخ وجود دارد. تمام افراد یهودی معتقد، مخالف تشکیل دولت اسرائیل هستند. جمهوری اسلامی در واکنش به حمله اسرائیل به سفارت این کشور در سوریه بسیار اخلاقی عمل کرد و میان یهودیان تمایز قائل شد. زمانی که خبر شهادت آیت‌الله رئیسی رسانه‌ای شد تماس‌های مختلفی از بیت‌المقدس، انگلیس و سایر نقاط جهان و از طرف یهودیان معتقد و عملگرای مخالف اسرائیل دریافت کردم و از من خواسته شد به ایران بیایم و پیام تسلیت جامعه یهودیان را منتقل کنم.

رابا وایز درباره نقش صهیونیسم در سینمای جهان گفت: نفوذ صهیونیست‌ها در جهان یک واقعیت انکارناپذیر است که جریان دارد. آنها سینما را به عنوان یک ابزار برای تاثیرگذاری بر جامعه جهانی می‌بینند. این نفوذ تنها محدود به سینما نیست بلکه این افراد اثرگذاری بر تمدن را در دستور کار قرار داده‌اند. آنها تلاش می‌کنند از ایرانی‌ها و مسلمانان و هر قوم غیرغربی تصویری منفی ارائه کنند. آنها مسلمانان را افرادی افراطی و دور از تمدن معرفی می‌کنند.

وی بیان کرد: شیوه بیان در سینما از اهمیت زیادی برخوردار است. صهیونیست‌ها در طرز نقل کردن یک موضوع دخالت کرده و واقعیت را مطابق میل خود با ظرافت‌های خاصی تغییر می‌دهند و این‌چنین کل محتوا تحت تاثیر قرار می‌گیرد. سینما یک صنعت برنامه‌ریزی شده است و صهیونیست‌ها از آن برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند.

وایز ادامه داد: آنها در حال نابود کردن زن و مرد هستند و جنیست را از میان برداشته‌اند. آنها برای جذب مخاطب، تبلیغات بسیار زیادی انجام می‌دهند و این موضوع در سراسر کشور آمریکا به چشم می‌خورد. آنها موارد منفی را به صورتی بسیار مطلوب برای مخاطبان جلوه می‌دهند. صهیونیست‌ها برای دستیابی به اهداف خود از بهترین مشخصه‌های فنی و کیفی استفاده می‌کنند و به همین دلیل تماشاگران گسترده‌ای دارند.

وایز با بیان اینکه نگاه کردن به تصویر زن از لحاظ بنیان‌های اخلاقی دین ما ممنوع است، ادامه داد: در جامعه یهودیان منهتن و بروکلین آمریکا، خود را ایزوله کرده‌ایم تا آسیبی متوجه ما نشود. در جامعه یهودیان معتقد، مقوله‌ای مانند سینما مطرح نیست و به آن توجه نشان نمی‌دهیم.

صهیونیست‌ها در سینمای جهان از زن برای بیان مسائل غیراخلاقی استفاده می‌کنند و زنان بسیاری در جنبش‌های زیادی به این استفاده ابزاری معترض شده‌اند. باید استانداردهای دیگری درباره زنان در سینمای جهان وضع و کرامت آنها حفظ شود. متاسفانه در سینمای جهان از مسیر خداگونه دوری می‌شود و موارد بسیار منفی و زننده به تصویر کشیده می‌شود. زمانی که هنوز سینما وجود نداشت، الگوهای دیگری مطرح بود اما امروز نگاه جوانان به مسائلی معطوف شده است که در سینما مطرح می‌شود.

وی خاطرنشان کرد: در دنیا سلبریتی‌ها جای معلمان را برای جوانان گرفته‌اند و موارد اخلاقی به حاشیه رفته است. امروز این مساله مطرح است که با وجود رسانه‌ای منفی همچون سینمای آمریکا، یک کودک چگونه باید با مسائل مربوط به حوزه اخلاق آشنا شود. تصاویر متحرک ارزش‌های خانوادگی و اخلاقی جامعه آمریکا را مورد حمله قرار داده است. سینما یک میدان رقابت است و باید در آن به عنصر جذابیت توجه شود تا اثر پیام‌ها به بهترین شکل ممکن به مخاطب خود منتقل شود. درون هر فرد ممکن است وسوسه‌ای باعث شود تا خواهان موارد نامطلوبی باشیم که باید در مقابل آن مقاومت شود.

وایز گفت: کیفیت در آثار سینمایی مساله‌ای مهم است و امیدوارم این موضوع مورد توجه برگزارکنندگان جشنواره کوثر باشد. امیدوارم خداوند شما را در ادامه این مسیر توفیق دهد. در دین یهود داستان‌های زیبایی انتخاب می‌شوند و آنها به صورت نمایش‌هایی جذاب و آموزنده برای دختران و پسران جوان اجرا می‌شوند. زمانی که یک فیلم داستانی جذاب انتخاب شود، قطعا روی تماشاگر اثرگذار است. اگر مواردی همچون مسائل جنسی و خشونت از سینمای آمریکا گرفته شود، دیگر چیزی باقی نخواهد ماند.

پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوثر، از سوی «بنیاد آیه‌های ایثار و تلاش» با همکاری شهرداری تهران، موسسه تصویر شهر، معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری، سازمان امور سینمایی، بنیاد شهید و امور ایثارگران و صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، تیر سال جاری با دبیری ناصر باکیده در تهران برگزار می‌شود.

به بهانه برگزاری بزرگداشت احمدرضا معتمدی

فیلمسازی که بیکار ننشست

گروه فرهنگ و هنر: احمدرضا معتمدی را باید یکی از موثرترین فیلمسازان سینمای ایران دانست؛ کارگردانی که پیش از کارگردانی، مدرس دانشگاه بوده و در فضای دانشگاهی از او به عنوان بنیانگذار دپارتمان فلسفه در سینما یاد می‌کنند.

«سوءتفاهم»، «راه رفتن روی سیم»، «آلزایمر»، «قاعده بازی»، «دیوانه‌ای از قفس پرید»، «زشت و زیبا» و «هبوط» از جمله فیلم‌هایی است که معتمدی از سال ۷۲ در سینمای ایران ساخته است. اما آنچه بیش از فیلم‌هایش باعث مطرح شدن و سر زبان افتادن نام این فیلمساز شده است، تالیفات و ترجمه‌هایی است که در حوزه سینما منتشر کرده است. «پایان فلسفه مارتین هایدگر»، «فلسفه فیلم» در ۶ جلد و «حکمت، عرفان، اگزیستانسیالیسم» را باید جزو شاخص‌ترین آثار معتمدی دانست؛ فیلمسازی که فارغ‌التحصیل اقتصاد از دانشگاه تهران بود و با فیلم «یاران» ساخته ناصر مهدی‌پور به عنوان نویسنده فعالیت خود را در سینما آغاز کرد.

معتمدی چند سال پیش دچار سکته مغزی شد؛ عارضه‌ای که تا یک سال بعد از آن نیز هیچ کدام از اهالی سینما از آن خبردار نشده بودند تا با پیگیری یکی از رسانه‌ها خبر سکته این فیلمساز رسانه‌ای شد. از آن پس برای وی بزرگداشت‌های مختلفی از جمله در جشنواره فیلم فجر و جشنواره فیلم مقاومت برگزار کردند.

اما با گذشت چند سال از سکته مغزی و بهبود شرایط جسمی‌اش، اکنون قرار است موزه سینما طی مراسم ویژه‌ای در روز ۲۲ خرداد بزرگداشت احمدرضا معتمدی بنیانگذار فلسفه فیلم در ایران را برگزار کند؛ مراسمی که در حاشیه آن گنجینه این کارگردان در تالارهای موزه سینما افتتاح خواهد شد.

وی در گپ و گفت کوتاهی اشاره کرد شرایطش به لحاظ بدنی زیاد مساعد نیست و به همین دلیل تمایلی به حضور در محافل مختلف ندارد، هر چند دوستان به او لطف دارند.

معتمدی که آخرین حضور جدی و رسمی‌اش در اختتامیه جشنواره فجر ۲ سال قبل بود که با ویلچر روی سن آمد، ادامه می‌دهد: به دلیل سکته مغزی نیمی از بدنم امکان حرکت ندارد منتها کارهای فکری را می‌توانم انجام دهم؛ کتاب می‌نویسم یا ترجمه می‌کنم. مدتی قبل کتاب «پایان فلسفه» را که از انگلیسی ترجمه کرده بودم، با متن آلمانی هایدگر تطبیق دادم و در انتشارات هرمس از ترجمه آلمانی هم چاپ و خیلی هم پرفروش شده است. کتاب سنگینی است و آخرین نوشته‌های هایدگر است که خودش را هم زیر سوال برده است.

او همچنین در پاسخ به اینکه آیا مشغول نوشتن فیلمنامه نیست؟ بیان کرد: یک فیلمنامه داشتم که در دوره آقای تابش در بنیاد فارابی تصویب شده بود. اگر شرایط فراهم شود روی همین صندلی هم می‌توانم فیلم بسازم چون فیلم را که با دست و پا قرار نیست بسازم، کارگردان با ذهنش فیلم را کارگردانی می‌کند، بنابراین اگر شرایط مهیا شود این فیلم را خواهم ساخت که اسم آن هم تاکنون چند بار تغییر کرده و الان چون وضعیتش نامشخص است، ترجیح می‌دهم پس از قطعی شدن کار، اسم نهایی آن را تعیین کنم.

به گفته معتمدی، این فیلمنامه یک اقتباس از رمانی است که نویسنده آن «گونتر آیش» است؛ نویسنده‌ای که او هم تحت تاثیر هایدگر بوده است.

اخبار

حال عمومی مجید قناد مساعد است

حال عمومی مجید قناد که چند روز قبل تحت عمل جراحی قرار گرفت، در وضعیت مساعدی قرار دارد.

سپهر قناد، فرزند مجید قناد مجری، کارگردان و بازیگر تئاتر و تلویزیون درباره وضعیت جسمانی پدرش عنوان کرد: متأسفانه خبری در فضای مجازی مبنی بر اینکه حال عمومی پدرم خوب نیست و به دلیل ضربه مغزی ناشی از تصادف تحت جراحی قرار گرفته است، منتشر شده که درست نیست و حال پدرم کاملا خوب است. وی در توضیح اتفاقی که برای مجید قناد افتاده است، گفت: پدرم ۴۰ روز قبل تصادف کرده بود که مشکل خاصی هم برایش پیش نیامد تا اینکه چند روز قبل به دلیل لخته خونی که در سرش به وجود آمده بود و ممکن است به دلیل تصادف چند وقت قبل هم باشد به بیمارستان منتقل شد و تحت عمل جراحی قرار گرفت. وی ادامه داد: بعد از جراحی خوشبختانه حال عمومی وی مساعد است و در سلامت به سر می‌برد. با تشخیص خانواده قرار است وی چند روز در بیمارستان تحت نظر قرار بگیرد اما خوشبختانه مشکل برطرف شده است.

پریسا مقتدی در «سوینا» داستان کوتاه می‌خواند

دومین قسمت از «صد داستان» به روایت داستان‌های «قصه عینکم» نوشته رسول پرویزی و «شیراز» اثر مصطفی مستور اختصاص دارد که با خوانش پریسا مقتدی در سایت «سوینا» منتشر می‌شود. این برنامه به سردبیری کیوان کثیریان، در استودیو فراز با صدابرداری مرتضی محقق ضبط شده و امیر تقوی تدوین آن را بر عهده داشته است. این قسمت از «صد داستان» پنجشنبه ۱۷ خرداد ساعت ۱۹ در سایت «سوینا» منتشر می‌شود. «سوینا» (سینمای ویژه نابینایان)، هر ماه یک قسمت از «صد داستان» را با حمایت مهشید عباسی تهیه و منتشر می‌کند که به نسخه صوتی بهترین داستان‌های کوتاه ایران و جهان با خوانش هنرمندان اختصاص دارد.

«روزهای بی‌باران» به تئاترشهر می‌آید

نمایش «روزهای بی‌باران» به نویسندگی امین بهروزی و کارگردانی سعید برجعلی از ۲۳ خرداد ساعت ۲۰:۳۰ در سالن سایه مجموعه تئاترشهر روی صحنه می‌رود. بازیگران «روزهای بی‌باران» به ترتیب حروف الفبا سعید برجعلی، فاطیما بهارمست، بهار قاسمی و وحید منتظری هستند. حمید تهرانی تهیه‌کننده، حسین طاهربخش مشاور فنی، شهاب مهربان ویدئو آرت، پویا نوروزی آهنگساز، علی علوی تایپوگرافی، حسین رحیمیان‌مجد موشن گرافی، آرش رمضانیان عکس و گرافیک، رضا خضرایی طراح نور، محمد شاه‌جمالی مدیر صحنه، مهدیه حدادی منشی صحنه، حسن توکلی دستیار کارگردان، مصطفی قصابی تصویربردار و ساخت تیزر و علی کیهانی مشاور رسانه‌ای دیگر عوامل این اثر نمایشی هستند. «روزهای بی‌باران» عاشقانه‌ای است درباره انتخاب، درباره جای خالی آدم‌ها و ۲ کلمه‌ای که سرنوشت ما را رقم می‌زند.

برگزاری پنجمین برنامه «سلام کتاب» در برج آزادی

پنجمین برنامه «سلام کتاب» با هدف رونمایی کتاب هنرجویان کانون ادبی قلم مانا و ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی امروز ۱۷ خرداد در مجموعه فرهنگی برج آزادی برگزار می‌شود. این مراسم همراه با رونمایی از کتاب‌هایی همچون «گیل‌دخت» نوشته سیده‌محدثه باقری، «شعرهایی که او هرگز نخواند» نوشته نازیلا نجابت، «خودباوری تا موفقیت» نوشته معصومه طالبی‌سهزابی خواهد بود. همچنین هر ۳ کتاب به ویراستاری دبیری کانون قلم مانا «ملیکا دستاری» است. کتاب گیل‌دخت، نخستین کتاب به چاپ رسیده سیده‌محدثه باقری است که بر زندگی دختری گیلانی دلالت دارد و پستی‌ها و بلندی‌های زندگی آن دختر را به نمایش می‌گذارد. این کتاب سال ۱۴۰۲ به چاپ رسید.

شماره جدید سوره با «ملت ابراهیم» روی پیشخوان آمد

شماره یازدهم ماهنامه سوره به تازگی با پرونده‌ای درباره رئیس‌جمهور شهید و سرمقاله‌ای تحت عنوان «ملت ابراهیم» منتشر شده و روی پیشخوان مطبوعات کشور آمده است. این مجله با مطالبی همچون ملت ابراهیم، «سیدعلی سیدان» (تشییع رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر نشان داد پیوند محبت و سیاست در مدار دین، می‌تواند مردم را تألیف کند)، ناگهان مردم! نوشته فردین آریش (بریده‌روایت‌هایی از تشییع پیکر شهید جمهور در تبریز، تهران و مشهد)، زیارت، سیدابراهیم رئیسی و دولت ایستاده در آستانه او نوشته محمدرضا قائمی‌نیک همراه است.

پویانمایی‌های انتخاباتی روی آنتن شبکه‌ها

مرکز پویانمایی صبا در ایام منتهی به انتخابات، آثاری متفاوت و اثرگذار را در قالب پویانمایی برای پخش از شبکه‌های مختلف سیما تدارک دیده است. پویانمایی «ماجراهای آقای شهروندی» به تهیه‌کنندگی شهرام شیرزادی در ۱۰ قسمت ۲ دقیقه‌ای و با تکنیک دوبعدی تولید شده است. «آقا معلم و بچه‌ها» به تهیه‌کنندگی داوود حدیثی است. این انیمیشن در ۱۳ قسمت ۲ دقیقه‌ای و با تکنیک کات اوت تهیه شده و محورهای اصلی آن شامل بیان شرایط یک انتخابات سالم اعم از الزامات حضور در انتخابات، فضای انتخابات سالم، شرایط انتخاب‌کننده سالم، شرایط انتخاب‌شونده سالم، انتخابات یکی از اصول اساسی برای حفظ انسجام ملی و امنیت ملی است. پویانمایی «شکرستان» که به تهیه‌کنندگی مسعود صفوی برای مخاطب عام، به تعداد ۱۳ برنامه ۲ دقیقه‌ای با موضوع انتخابات ساخته شده دربرگیرنده موضوعاتی از جمله انتخابات و بیان مباحثی همچون چگونگی تبلیغات انتخاباتی کاندیداها، بررسی عوامل تأثیرگذار بر رفتار انتخاباتی مردم، احترام و حفظ حرمت کاندیداها، بیان مطالبات مردم و... است. مجموعه پویانمایی‌های تولید شده در قالب یک بسته برای پخش از شبکه‌های سیما تدارک دیده شده است که بتدریج پخش خواهد شد.